

بازنمایی شناختی رویداد حرکت در کردی کلهری

مسعود دهقان (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)

صص: ۲۸۱-۳۰۷

چکیده

حرکت به مثابه رویداد و طرح‌واره‌ای ذهنی است که آدمی از بدو تولد آن را تجربه می‌کند و مفهومی همگانی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رویداد حرکت در کردی (گویش کلهری) بر اساس انگاره‌الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) انجام گرفته است. تا نشان دهد که این انگاره، رویداد حرکت را در کردی کلهری چگونه بازنمایی می‌نماید. نگارنده در پی پاسخی برای این پرسش به بررسی و واکاوی جایگاه رده‌شناختی کردی کلهری بر اساس الگوهای واژگان‌شدگی پرداخته است. این پژوهش کیفی با استفاده از روش تحلیل-توصیفی انجام شده و بدین منظور، تعداد ۱۳۰ فعل حرکتی به صورت پیمایشی و از طریق مصاحبه با گویشوران کردی کلهری گردآوری و اصالت آن‌ها نیز تأیید شد. نتایج نشان داد که کردی کلهری از نه الگوی ادغام استفاده می‌کند که از میان آن‌ها، الگوهای دو جزئی ادغام حرکت+هم‌رویداد و حرکت + مسیر به ترتیب از بیشترین بسامد برخوردارند، و الگوی سه جزئی حرکت+مسیر+هم‌رویداد نیز پس از دو الگوی مذکور از بسامد بالاتری برخوردار است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که در کردی کلهری افعال حرکتی هم مسیرنما و هم شیوه‌نما هستند و از آنجایی که در این گویش، الگوی سه جزئی حرکت+مسیر+هم‌رویداد نیز بسامد بالایی را داراست، بر این اساس این گویش جزء دسته‌ی زبان‌های دو قطبی به حساب می‌آید.

کلید واژه‌ها: زبان‌شناسی شناختی، رویداد حرکت، الگوهای واژگان‌شدگی، کردی کلهری، زبان‌های دو قطبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

۱. dehghan_m85@yahoo.com

پست الکترونیکی:

مقدمه

شیوه بازنمایی ساخت‌های رویدادی^۱ در زبان‌های مختلف، یکی از مباحث مورد بررسی در معنی‌شناسی شناختی^۲ است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رویداد حرکت^۳ در کردی کلهری^۴ قصد دارد تا جایگاه این گویش از زبان‌های ایرانی نو غربی جنوبی که عمدتاً در استان کرمانشاه و قسمت‌های شمالی استان ایلام نیز بخشی از کردستان عراق (خانقین و مندلی) بدان تکلم می‌شود را بر اساس انگاره‌الگوهای واژگان‌شدگی^۵ تالمی^۶ (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) در رویکرد شناختی واکاوی کرده و نشان دهد که این گویش کردی به لحاظ رده‌شناسی^۷ از چه جایگاهی برخوردار است. شایان ذکر است که این ساخت‌های رویدادی در زبان‌شناسی شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که از دیدگاه شناختی، طرح‌واره^۸ی حرکت به عنوان یکی از بنیادی‌ترین تجارب بشر در نظر گرفته شده است. زبان‌شناسان شناختی، همچون سایر زبان‌شناسان، زبان را به خاطر خود آن مطالعه می‌کنند و یک دلیل مهم مبنی بر اینکه چرا زبان‌شناسان شناختی به مطالعه زبان می‌پردازند، ریشه در این باور دارد که زبان بازتاب الگوهای تفکر و خلاق ذهن است. به باور آن‌ها، زبان منعکس‌کننده ویژگی‌های اساسی خاصی بوده و در واقع آنچه را که در ذهن بشر می‌گذرد طراحی می‌کند (ایوانز^۹ و گرین^{۱۰}، ۲۰۰۶: ۵). شایان ذکر است که زبان‌ها به لحاظ رده‌شناختی از تفاوت‌ها و شباهت‌هایی برخوردارند که آن‌ها را در رده‌های مختلف قرار می‌دهد. یکی از این تفاوت‌ها و شباهت‌ها در زبان‌های مختلف، چگونگی رویداد بازنمایی حرکت در زبان است و زبان‌های مختلف نیز ابزارهایی برای

۱. event constructions

۲. cognitive semantics

۳. motion

۴. Kalhori Kurdish

۵. lexicalization patterns

۶. L. Talmy

۷. typology

۸. schema

۹. V. Evans

۱۰. M. Green

بازنمایی و بیان این رویداد مهم در نظر گرفته‌اند که از آن‌ها به مثابه نگاشت^۱های معنا-صورت صورت یاد می‌شود. از این روست که زبان‌های مختلف از نگاشت‌های معنا-صورت مختلفی برخوردارند. انگاره الگوهای واژگان‌شدگی نخستین بار از سوی تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) معرفی شد که بر اساس آن زبان‌ها به دو گروه زبان‌های فعل‌بنیان^۲ و زبان‌های تابع‌بنیان^۳ طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین، حرکت به مثابه رویدادی در نظر گرفته می‌شود که در آن معنای جابجایی و حرکت، آشکارا نهفته باشد. این جابجایی به دو صورت آشکار و پنهان ممکن است اتفاق بیافتد. به باور تالمی، آن جایی حرکت آشکارا رخ می‌دهد که عنصری از مکانی به مکان دیگری منتقل گردد که به آن حرکت انتقالی^۴ (گذرا) می‌گویند، برای نمونه، افعال «قدم زدن» و «رفتن» در زبان فارسی از این ویژگی برخوردار هستند. اما در جای دیگری این حرکت آن‌گونه که در حرکت آشکار ذکر شد، قابل مشاهده و ملموس نیست، بلکه جابجایی بدون تغییر مکان و در جای اصلی آن رخ می‌دهد که به آن حرکت بومرنگی^۵ (ساکن) گفته می‌شود (۲۰۰۰ب: ۳۶-۳۵). برای مثال، حرکت در فعلی همچون فعل «چرخاندن»^۶ و «تکان‌دادن»^۷ در زبان فارسی از نوع حرکت بومرنگی هستند. همچنین بر اساس دیدگاه دوگانگی تالمی (۲۰۰۰ب)، افعال حرکتی (MV) به دو نوع مسیر^۸ نما و شیوه^۹ نما تقسیم می‌شوند. فعل‌های مسیرنما، مسیر حرکت و فعل‌های شیوه‌نما، شیوه حرکت شیئی را واژگانی می‌کنند. بدین منظور، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا از طریق مصاحبه با گویشوران کردزبان، و نیز گردآوری ۱۳۰ فعل حرکتی و تحلیل آن‌ها بر اساس الگوهای تالمی (۲۰۰۰ب) مشخص شود که در این افعال، کدام یک از عناصر معنایی هم‌رویداد (CE) و مسیر (P)، بیشترین بازنمایی را دارند، یا اینکه این دو عنصر معنایی از بازنمایی تقریباً یکسانی برخوردارند و در این صورت

۱. mapping
۲. Verb-based
۳. Satellite-based
۴. translational
۵. self-contained
۶. twisting
۷. shaking
۸. path
۹. manner

باید گفت که گویش کردی کلهری از دسته‌ی زبان‌های دو قطبی به شمار می‌رود، و این‌گونه رویکرد رده‌شناسی دوگانه تالمی (۲۰۰۰ب) به چالش کشیده می‌شود. برای درک بهتر موضوع افعال حرکتی و مؤلفه‌های بازنمایی شده توسط آن‌ها، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱. گربه از دیوار پایین افتاد.

۲. گربه از دیوار پرید.

۳. گربه از دیوار بالا رفت.

در مثال‌های فوق، افعال حرکتی «پایین افتادن» و «بالا رفتن» در نمونه‌های ۱ و ۳، بطور هم-زمان مؤلفه‌های معنایی حرکت، مسیر را واژگانی می‌کنند. در حالی که در مثال ۲، فعل حرکتی «پریدن» دو مؤلفه معنای حرکت و هم‌رویداد را بازنمایی می‌کند. در این مثال‌ها، تابع «پایین» و تابع «بالا» مسیر حرکت را بازنمایی می‌کنند. همچنین، «گربه» به عنوان پیکر^۱ در نظر گرفته می‌شود که موقعیتش بر اساس دیوار مشخص شده است و «دیوار» به مثابه زمین^۲ است.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. بخش اول مقدمه است، بخش دوم به پیشینه پژوهش پرداخته است. بخش سوم به روش‌شناسی پژوهش اشاره دارد. در بخش چهارم انگاره‌های واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) تعریف خواهد شد. بخش پنجم به بررسی و تحلیل داده‌ها خواهد پرداخت و در بخش پنجم نتیجه‌گیری پژوهش را خواهید دید.

پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

در این بخش نگاهی خواهیم داشت به مطالعات زبان‌شناختی پیشین و مرتبط با موضوع رویداد حرکت در زبان‌ها تا مشخص گردد که موضوع و محدوده این دسته از مطالعات چگونه و تا چه اندازه بوده و به چه نکاتی در این زمینه توجه شده است. در ابتدا پژوهش‌های ایرانی و سپس پژوهش‌های غیرایرانی مرور می‌شود. شایان ذکر است که پیش از این پژوهش، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی رویداد حرکت در زبان فارسی بر اساس انگاره معنی‌شناسی شناختی تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) صورت گرفته، اما تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، پیرامون موضوع رویداد حرکت در کردی جنوبی از دیدگاه شناختی، به غیر از پژوهش کریمی‌پور و رضایی

۱. figure

۲. ground

(۲۰۱۶) که آن هم در محدوده استان ایلام انجام گرفته، تا کنون بررسی‌ای صورت نگرفته است. آن‌ها در پژوهشی با عنوان «بررسی رده‌شناختی افعال حرکتی در کردی ایلامی» به بررسی افعال حرکتی و جایگاه رده‌شناختی کردی ایلامی بر اساس رویکرد رده‌شناسی برمن^۱ و اسلوبین^۲ (۱۹۹۴) پرداخته و به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه مسیر حرکت نیز در افعال حرکتی در این گویش کردی بر اساس تابع‌ها مشخص می‌شود، می‌توان آن را جزء زبان-های تابع‌بنیان به حساب آورد و بر این اساس گویش کردی ایلامی به لحاظ رده‌شناسی زبانی تابع‌بنیان است. این در حالی است که نگارنده در پژوهش حاضر رده‌شناسی دوگانه تالمی (۲۰۰۰ب) را که بر اساس آن زبان‌ها به دو گروه اساسی فعل‌بنیان و تابع‌بنیان تقسیم می‌شوند، به چالش کشیده است و معتقد است که این طبقه‌بندی نمی‌تواند در خصوص همه زبان‌ها که کردی از جمله آن‌هاست از کارایی لازم برخوردار باشد. به باور نگارنده و بر اساس نتایجی که در ادامه خواهد آمد، گویش کردی کلهری را نمی‌توان در هیچ یک از این دو رده زبانی قرار داد، بلکه بر اساس دیدگاه برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) زبان‌های مختلف به لحاظ رده‌شناختی بر روی پیوستاری قرار دارند که این دو رده زبانی می‌تواند در دو سوی آن پیوستار واقع باشد و این گونه زبان‌های مختلف بر روی آن پیوستار چندبُعدی از هم متمایز می‌شوند. در ذیل به اختصار به نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط ایرانی و غیرایرانی که قبلاً انجام گرفته‌اند خواهیم پرداخت.

شاه‌حسینی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی افعال مسیرنمای زبان‌های فارسی میانه و نو» به بررسی صورت‌های مختلف بیان رویدادهای حرکتی فعل از منظر رده‌شناسی تالمی (۲۰۰۰) در فارسی میانه‌ی زردشتی و مقایسه‌ی آن با فارسی نو پرداخته‌اند. در بررسی این نوشتار، نگارندگان در پی پاسخی برای این پرسش بودند که در دوره‌های مختلف زمانی، بازنمایی رویداد حرکتی فعل در زبان فارسی دستخوش چه تغییراتی بوده است. نتایج نشان داد که فعل در فارسی میانه برای بازنمایی اطلاعات مسیر از امکان فعل‌محوری استفاده می‌کند، حال آن که فارسی نو علاوه بر این امکان، از امکان تابع‌محور

۱. A. R. Berman

۲. D. I. Slobin

بودن نیز بهره برده است. از این رو، یافته‌ها نشان داد که با گسترش دامنه شناختی گویشوران در طول زمان، زبان از امکانات بیشتر برای بیان مفاهیم استفاده می‌کند.

حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رده‌شناختی مقوله قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی» به بررسی نمودهای صوری مقوله قمر و مقولات معنایی آن در زبان فارسی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به این موضوع اشاره کردند که زبان فارسی از منظر رده‌شناسی دوگانه تالمی در هر دو دسته قمرمحور و فعل‌محور قرار گرفته‌اند و نشان دادند که زبان فارسی در برخی موارد همراستا با ویژگی‌های زبان‌های قمرمحور و در برخی دیگر با زبان‌های فعل‌محور سازگاری دارد. آن‌ها در نهایت رده‌شناسی دوگانه تالمی را به چالش کشیده و بر این باورند که بهتر است این تقسیم‌بندی جای خود را به یک پیوستار بدهد که زبان‌های مختلف می‌توانند در آن جای بگیرند و یا در حال حرکت به یکی از دو سوی پیوستار باشد.

همچنین، مسگرخویی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی» به بررسی معناشناختی افعال حرکتی در زبان فارسی پرداخته و به این پرسش اساسی پاسخ داد که اجزای مختلف رویداد حرکت از طریق چه الگوهایی در زبان فارسی بازنمایی می‌شوند و این افعال برای بازنمایی رویداد حرکت (مسیر/ شیوه) از چه اطلاعات معنایی استفاده می‌کنند. نتایج نشان داد که ادغام دو مؤلفه معنایی حرکت و مسیر یا شیوه از مهم‌ترین الگوهای واژگان‌شدگی در زبان فارسی است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که زبان فارسی، طبقه‌بندی رده‌شناختی دوگانه تالمی (۲۰۰۰ب) مورد تردید است و نظریه اصلاحی برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) در خصوص رده‌شناسی زبان‌ها مورد تأییدتر است.

ازکیا (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناختی» به بررسی افعال حرکتی در دو فرهنگ بزرگ سخن و معین پرداخت تا از آن طریق به چگونگی جایگاه رده‌شناختی زبان فارسی بر اساس الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۲۰۰۰ب) پی ببرد. وی به تبیین انواع الگوهای واژگان‌شدگی عناصر معنایی حرکتی در ریشه فعل پرداخته و ۱۵ الگوی واژگان‌شدگی را برای زبان فارسی به دست داد. همچنین در این بررسی، الگوی حرکت+هم رویداد را از پربسامدترین الگوهای واژگان‌شدگی معرفی می‌کند و به باور وی، فارسی‌زبانان تمایل دارند تا در بیان رویدادهای حرکت، جزء حرکتی را با شیوه حرکت ترکیب

کنند. یافته‌ها نشان داده است که در رده‌شناسی زبان‌ها، زبان‌فارسی در رده‌زبان‌های تابع‌بنیان قرار می‌گیرد و در ادامه به طبقه‌بندی دوگانه تالمی صحنه می‌گذارد که اگر در زبانی الگوی واژگان‌شدگی حرکت+هم‌رویداد وجود داشته باشد، آن عنصری که در چارچوب تابع رمزگذاری می‌شود، عنصر معنایی مسیر است.

همچنین، پیرامون پژوهش‌هایی که در چارچوب افعال حرکتی در زبان‌های غیرایرانی انجام گرفته است، می‌توان به پژوهش سیدی^۱ (۲۰۰۷) با عنوان «رده‌شناسی رویداد حرکت در زبان تونسسی»، پژوهش فرز^۲ (۲۰۰۸) با عنوان «حرکت در زبان انگلیسی و اسپانیایی»، همچنین شائو (۲۰۰۹) «توصیف رویدادهای حرکتی و شیوه‌نما در زبان مادرین» و نیز پژوهش لیندسی^۳ (۲۰۱۱) با عنوان «بررسی فعل‌های حرکتی در زبان بلغاری» اشاره کرد.

روش‌شناسی پژوهش

ماهیت روش‌شناسی این پژوهش کیفی، توصیفی-تحلیلی و نوع آن داده-بنیاد بوده و از میان افعال حرکتی در کردی کلهری گردآوری شده‌اند. در این جستار، نگارنده به بررسی رویداد حرکت بر اساس انگاره الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) به تحلیل داده‌ها پرداخته است. روش گردآوری داده‌ها به صورت پیمایشی (میدانی) بوده و از طریق مصاحبه با گویشوران کردی کلهری، تعداد ۱۳۰ فعل حرکتی، اعم از ساده^۴، مرکب^۵ و گروهی^۶، از گروه‌های سنی ۲۱ تا ۴۰ سال با تحصیلات دیپلم تا دکترا گردآوری شده است. شایان ذکر است که نگارنده خود گویشور بومی این گویش از شاخه‌ی زبان‌های ایرانی نو غربی جنوبی است.

انگاره الگوهای واژگان‌شدگی تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰)

۱. D. Saidi

۲. P. Fe' rez

۳. T. S. Lindsey

۴. افعالی که در ساختمان آنها تنها یک جزء واژگانی به کار رفته است.

۵. افعالی که در ساختمان آنها یک جزء غیر فعلی (شامل حرف اضافه، اسم یا صفت) و یک جزء فعلی (همکرد) وجود دارد.

۶. افعالی که در ساختمان آنها دو یا چند جزء غیر فعلی و یک جزء فعلی به کار رفته است.

اساس زبان‌شناختی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که در آن دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. در واقع، زبان وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر گرفته می‌شود و معنی‌شناسی شناختی بر مدل‌ها و سازوکارهای شناختی که ورای فعالیت‌های زبان ما قرار دارند-و آن‌ها را ممکن می‌سازد- تأکید می‌کند. در معنی‌شناسی شناختی فرض بر آن است که عملکردهای عالی شناختی ما که معنا و استدلال را ممکن می‌سازند، در واقع امتداد فعالیت‌های حواس ما و غیر قابل تفکیک از آن‌ها هستند. در این رویکرد نقش زبان ایجاد تعبیر^۱ و نگاهت میان حوزه‌های مختلف ذهن است. (لیکاف، ۱۹۸۷). به باور لیکاف (۱۹۸۷: ۲۷۸) هنگامی که درباره حرکت فکر می‌کنیم و می‌اندیشیم، غالباً حرکت انتقالی یا گذرا اولین نوع حرکتی است که به ذهن ما انسان‌ها مبادرت می‌کند. وی همچنین بیان می‌کند که این نوع حرکت در مسیر مشخصی رخ می‌دهد که توالی نقاط مسیر را برای ما نمایان می‌سازد. انگاره الگوهای واژگان‌شدگی که پژوهش حاضر بر اساس آن به موضوع رویداد حرکت در کردی کلهری پرداخته است، ابتدا به وسیله تالمی (۱۹۸۵؛ ۲۰۰۰ب) پا به عرصه علم زبان‌شناسی نهاد. وی (۲۰۰۰ب) در جلد دوم کتاب خود با عنوان معنی‌شناسی شناختی به توصیف این انگاره پرداخته است. تالمی، همچنین در مقدمه کتاب خود واژگان‌شدگی را این گونه تعریف می‌کند: «واژگان‌شدگی عبارت است از ارتباط نظام‌مند میان یک عنصر معنایی ویژه و یک تکواژ». در این انگاره که به روابط سیستماتیک بین صورت‌رو ساختی و معنا توجه دارد، فرض بر این است که واژگان‌شدگی در جایی اتفاق می‌افتد که بین صورت‌واژگانی و معنای آن صورت‌ارتباط و با هم‌آیی منظمی وجود داشته باشد. به باور تالمی (۲۰۰۰ب) به شرایطی که در آن حرکت و ایستایی^۲ با هم شکل بگیرند، رویداد حرکت گفته می‌شود. تالمی، همچنین عناصر معنایی را در رویداد حرکتی به چهار مؤلفه معنایی اصلی از قبیل، مسیر حرکت (P)، جزء حرکتی (M)، پیکر (F) و زمینه (G) و همچنین دو مؤلفه فرعی شیوه حرکت و سبب^۳ که هم‌رویداد (CE) نامیده می‌شوند، تقسیم می‌کند. به عبارتی، عنصر پیکر، شیء متحرکی است که حرکت می‌کند و عنصر معنایی زمینه نیز شیء ثابتی است که شیء متحرک بر اساس آن مکان‌یابی می‌شود. مسیر نیز در واقع راهی است که پیکر با توجه به

۱. profile

۲. stationariness

۳. cause

زمینه طی کرده و آن را اشغال می‌کند. همچنین، شیوه حالتی است که نحوه وقوع رویداد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز بیان گردید، بر این اساس دو نوع حرکت وجود دارد: انتقالی و بومرنگی. در حرکت انتقالی جایگاه اصلی پیکر از نقطه‌ای به نقطه دیگر تغییر می‌کند، در حالی که در حرکت بومرنگی، پیکر همان جایگاه اصلی خود را نگه می‌دارد (تالمی، ۲۰۰۰:ب:۳۶-۳۵). برای درک بهتر مؤلفه‌های معنایی و نیز این دو نوع حرکت در ارتباط با رویداد حرکت به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۴. The pencil *rolled* off the table

۵. The pencil *blew* off the table.

۶. The pencil *lay* on the table.

۷. The pencil *stuck* on the table.

در همه مثال‌های بالا، the pencil مؤلفه معنایی پیکر و the table مؤلفه معنایی زمینه است. در این مثال‌ها، مسیر و مکان حرکت به ترتیب با تابع *off* و *on* مشخص شده‌اند. همچنین، حرکت و شیوه آن‌ها در افعال حرکتی «to roll» و «to lay» رمزگذاری شده است. حال آن که در افعال حرکتی «to blow» و «to stick» مؤلفه‌های معنایی حرکت و سبب رمزگذاری شده است. (تالمی، ۲۰۰۰:ب:۲۶). شایان ذکر است افعالی که رویداد حرکت و مؤلفه‌های معنایی آن را بازنمایی می‌کنند افعال حرکتی نامیده می‌شوند. به باور تالمی (همان: ۲۷) در انگاره واژگان‌شدگی تنها به ریشه فعل توجه معطوف است. وی همچنین چند نوع الگوی متفاوت را در این خصوص به لحاظ رده‌شناختی از هم متمایز می‌کند که زبان‌های مختلف بر اساس آن‌ها از هم منفک می‌شوند. در این خصوص، دو نوع رویکرد رده‌شناسی متفاوت از الگوهای واژگان‌شدگی تالمی مطرح شده است. بدین گونه که در رویکرد اول، طبقه‌بندی سه‌گانه تالمی (۱۹۸۵) و در رویکرد دوم، طبقه‌بندی دوگانه تالمی (۲۰۰۰:ب) دو دیدگاه متفاوت را در خصوص روابط معنایی و نحوی نشان می‌دهند. در رویکرد اول که تنها به ریشه فعل توجه معطوف شده است، به دنبال آن است تا مشخص کند که در زبان‌های مختلف کدام یک از عناصر معنایی حرکت، شیوه و مسیر بازنمایی می‌شوند. در حالی که در رویکرد دوم تالمی (۲۰۰۰:ب) به دنبال آن هستیم تا دریابیم که مسیر حرکت در ریشه فعل (در

زبان‌های فعل‌بنیان) یا در تابع/حروف اضافه (در زبان‌های تابع‌بنیان) بازنمایی می‌شود (همان: ۱۰۲).

رده‌شناسی سه گانه تالمی: ریشه فعل

همانگونه که قبلاً هم بیان گردید، این نوع رده‌شناسی از بررسی این که در زبان‌های مختلف چه عناصر معنایی‌ای بازنمایی می‌شوند حادث شده است و الگوهای زیر را در بر می‌گیرد.

الف. الگوی واژگان‌شدگی حرکت+هم‌رویداد: افعالی که همچون گروه دوم علاوه بر جزء حرکتی، عنصر معنایی هم‌رویداد (شیوه یا سبب) را نیز بازنمایی می‌کنند. مانند فعل «دویدن» در زبان فارسی. در این الگو، افعال حرکتی همزمان هر دو جزء حرکتی و هم‌رویداد (شیوه یا سبب) را با هم بازنمایی می‌کنند (تالمی، ۲۰۰۰: ۲۷). انگلیسی از جمله زبان‌هایی است که از این الگو تبعیت می‌کند. این دسته از افعال را افعال شیوه‌نما می‌نامند. در اینجا لازم است پیش از ارائه مثال‌ها از زبان انگلیسی به شرح مختصر اصطلاحات غیرعاملی^۱، عاملی^۲ و خودعاملی^۳ پردازیم (همان: ۲۸):

حرکت غیرعاملی آن است که پیکر به خودی خود قادر به انجام هیچ حرکتی نباشد و حرکت آن به کمک یک عامل خارجی انجام گیرد. حرکت عاملی به حرکتی اطلاق می‌شود که در آن، پیکر از طریق یک عامل به حرکت درآمده باشد.

حرکت خودعاملی نیز آن رویدادی است که در آن، پیکر خود قادر به انجام حرکت باشد. در این خصوص به مثال‌های زیر توجه کنید:

۸. The napkin *blew* off the table (غیرعاملی)
۹. I *rolled* the keg into the storeroom (عاملی)
۱۰. I *pushed* the keg into the storeroom (عاملی)
۱۱. I *jumped* down the stairs (خودعاملی)

۱. nonagentive

۲. agentive

۳. self-agentive

مثال ۸، در واقع به صورت *The napkin moved off the table* است که در آن کسی سبب جابجایی *the napkin* شده است. بنابراین فعل *blew*، حرکت و سبب را با هم بازنمایی می‌کند. در مثال ۹، فعل حرکتی «to roll» به حرکتی که *the keg* انجام می‌دهد اشاره دارد، و بنابراین عنصر معنایی شیوه حرکت را بازنمایی می‌کند. در حالی که در مثال ۱۰، فعل حرکتی «to push» به حرکتی که فعل *I* انجام می‌دهد اشاره می‌کند، و بنابراین عنصر جانبی سبب حرکت را بازنمایی می‌کند (همان: ۲۸)

به مثال زیر در کردی کلهری توجه کنید.

۱۲. ta dim-n-æj, wæ ban diwaræ-gæ pæi i-jæw.

۳PS—PAST پريد DEFINITE-دیوار روی از ۳PS (Acc)-۱PP (Nom)—دید تا
تا او را دیدیم، از روی دیوار پريد. (M+CE)

در مثال ۱۲، فعل حرکتی *pæi* «پريدن» در کردی کلهری همزمان حرکت و هم‌رویداد شیوه را واژگانی کرده است.

ب. الگوی واژگان‌شدگی حرکت+مسیر: این دسته از افعال حرکتی علاوه بر جزء فعلی، عنصر معنایی مسیر را نیز واژگانی می‌کنند. بنابراین این نوع افعال را می‌توان به صورت الگوی (حرکت+ یک جزء معنایی) نشان داد. مانند افعال «آمدن» و «رفتن» در زبان فارسی. تالمی (۲۰۰۰ب) در این خصوص بیان می‌دارد که مسیر در ریشه فعل در زبان‌های فعل‌بنیان مانند اسپانیایی، و در تابع‌ها در زبان‌های تابع‌بنیان مانند انگلیسی بازنمایی می‌شود. این دسته از افعال را افعال مسیرنما نیز می‌نامند.

ج. الگوی واژگان‌شدگی حرکت+پیکر: در این حالت، ریشه فعل همزمان دو عنصر معنایی حرکت و پیکر را بازنمایی می‌کند. به عبارتی، در این الگو، عناصر جزء حرکتی و پیکر با هم در ریشه فعل ترکیب می‌شوند. به باور تالمی (۲۰۰۰ب) زبان‌های ناواجو^۲ و آتوسگی^۳ از جمله زبان‌های مختص این الگو به شمار می‌روند. وی، همچنین، بیان می‌دارد که زبان انگلیسی

۱. در گویش کردی کلهری با افزودن یکی از پسوند های *ən/in* به ستاک گذشته‌ی فعل، مصدر ساخته می‌شود.

۲. Navajo (یکی از زبان‌های بومیان آمریکا)

۳. Atsugewi (یکی از زبان‌های بومیان آمریکا)

نیز در خصوص این الگو از چند عبارت محدود برخوردار است. نمونه‌هایی که تالمی (۲۰۰۰ب:۵۷) در خصوص زبان انگلیسی بیان کرده است دو مثال زیر هستند:

It rained in through the bedroom window. (M+F)

باران از پنجره‌ی اتاق به داخل بارید.

I spat into the cuspidor. (M+F)

به داخل سلف‌دان تف انداختم.

در مثال‌های بالا، فعل جملات همزمان هم جزء حرکتی و هم پیکر را بازنمایی می‌کنند. به عبارتی، در مثال ۱۳، پیکر (باران) و عنصر حرکت (پایین آمدن باران) با فعل جمله بازنمایی شده‌اند، و در مثال ۱۴، فعل *to spit* همزمان هم پیکر (آب دهان) و هم جزء حرکتی که *انداخته شدن* است را بازنمایی کرده است. کردی کلهری نیز این دو فعل را که به صورت مصدرهای *wai in* و *tef keɪ dən* به کار می‌روند، در این الگوی واژگان‌شدگی جای می‌دهد. نمونه‌های زیر مؤید این ادعا هستند که در آن‌ها پیکر (باران/برف/تگرگ) همراه با جزء حرکتی در ریشه فعل ترکیب شده است.

ta ɪ æwæki wai i. (M+F)

تا صبح بارید-PAST

تا صبح بارید.

tef keɪ d-æ zɛɪu (M+F)

تُف زمین -۳PS-PAST-کرد

به زمین تُف انداخت.

بررسی رویداد حرکت در کردی کلهری

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، داده‌های مورد تحلیل، افعال حرکتی در کردی کلهری هستند که از میان فعل‌های ساده، فعل‌های مرکب و فعل‌های گروهی انتخاب شده‌اند. همچنین، پیکره این پژوهش متشکل از ۱۳۰ فعل ساده و غیرساده (شامل افعال مرکب و گروهی) در کردی کلهری است که نگارنده با استفاده از روش پیمایشی (میدانی) از طریق مصاحبه با گویشوران کردزبان، داده‌ها را گردآوری کرده است. همچنین سعی شده است تا برای درک بهتر این افعال در کردی کلهری، برخی از آن‌ها در قالب مثال و همراه با معادل فارسی ارائه گردند. یافتن الگوهای

واژگانی شدگی در کردی کلهری و نیز پیدا کردن الگوی غالب از میان الگوهای مختلف، در خصوص جایگاه کردی کلهری از منظر رده‌شناسی، همانا هدف اصلی و اساسی این پژوهش بوده است. الگوهایی که نوشتار حاضر بر اساس اطلاعات معنایی و منحصر بفرد افعال حرکتی در کردی کلهری به دست داده است، به قرار زیر هستند:

الگوی واژگان‌شدگی تک جزیی (M)

افعالی که در این الگو جای می‌گیرند، به عنوان افعال حرکت‌نما خوانده می‌شوند که تنها و صرفاً جزء حرکتی را واژگانی می‌کنند. در کردی کلهری دو فعل حرکتی وجود دارد که در این الگو جای می‌گیرند. آن دو فعل حرکتی عبارتند از:

۱. dadzemin (زودتر حرکت کردن)

۲. dʒomedʒul keɪdən (تکان خوردن)

الگوی واژگان‌شدگی دو جزیی (M + CE)

افعالی در این الگو جای می‌گیرند که دو عنصر معنایی حرکت و هم‌رویداد شیوه، آن‌ها را با هم همزمان در ریشه فعل بازنمایی می‌کنند. نمونه‌هایی از افعال حرکتی در کردی کلهری که در این الگو جای می‌گیرند، عبارتند از:

gæɪ din (به دور خود یا چیزی گشتن)؛ gæɪ danən (کسی یا چیزی را چرخاندن)؛

kæftən (به زمین افتادن، درسی را پاس نکردن)، در حالی که این فعل چنانچه با پیشوند hæɪ (بالا) همراه شود، دیگر در این الگو جای نمی‌گیرد و عنصر حرکتی مسیر هم به آن‌ها اضافه می‌شود که در این صورت در الگوی سه جزیی (M + P + Ma) جای می‌گیرد؛ telanən

(چیزی را لگدمال کردن، له کردن، ماساژ دادن)؛ pef kanən (پاشیدن [آب])؛

tup-ægæ wæ ban zenu qəl xward. (M+Ma)

خوردن قِل زمین روی از DEFINITE-توپ

آن توپ از روی زمین قِل خورد.

همچنین، علاوه بر شش فعل حرکتی مذکور، سایر افعال حرکتی دارای الگوی M + CE به

قرار زیرند:

ref anən (ریختن)، اما همین فعل حرکتی چنانچه با پیشوند hæl (بالا) به کار رود، دیگر در این الگو جای نمی‌گیرد و عنصر حرکتی مسیر هم به آن‌ها اضافه می‌شود که در این صورت در الگوی سه جزئی (M + P + Ma) جای می‌گیرد. æfʃqɫaɹwærbiʃən (زیر و رو شدن کسی یا چیزی، سر و ته شدن)؛ dɑɪ i:ʒ ki:ʃ əjən (دراز کشیدن)؛ fʃ æftæw biʃən (کج شدن)؛ fʃæftæw keɪ dən (کج کردن)؛ dɑɪ i:ʒ keɪ dən (دراز کردن پا و دست یا هر چیز دیگری)؛ læɪ zin (لرزیدن)؛ wæf u:nɔgæɪ dɪn (دنبال کسی گشتن)؛ ri: keɪ dən (راه رفتن)؛ ri: kæftən (شروع به حرکت به قصد رفتن به جایی)؛ wæ sær teɪ inɔʒəg ni:ʃ tən (زانو زدن)؛ dæwin (دویدن)؛ dæwanɛ n (دواندن، کسی را به دویدن واداشتن)؛ dawæzin (پیاده‌شدن از سوار چیزی مانند وسایل نقلیه)؛ da keɪ dən (پهن کردن چیزی روی زمین)؛ ʒi:r-u-banbi:n (زیر و رو شدن، واژگون شدن)؛ dɪwɑ kæftən (از چیزی یا کسی عقب افتادن)؛ sæɪ æw xwar bin (سرازیر شدن)؛ keranən (کشیدن کسی یا چیزی از روی زمین)؛ hæl pæɪ gæ keɪ dən (رقصیدن)؛ hæl pæɪ anən (رقصاندن)؛ læm dajn (پشت خود را بر چیزی مماس کردن و آن را حائلی برای سنگینی خود کردن)؛ tækanən (تکاندن، تکان دادن)؛ qomf bæsin (جمع کردن بدن و آماده‌شدن برای پرتاب کردن سریع خود به جلو همزمان با هر دو پا، خیز برداشتن)؛ ranin (راندن، به حرکت درآوردن وسیله‌ی نقلیه یا هر چیز دیگری)؛ sen æ sen keɪ dən (سلانه سلانه رفتن، تأخیر در انجام کاری)؛ lætu beɪ dən (تلوتلو خوردن، بدون تعادل و این طرف و آن طرف راه رفتن)؛ sol jan (سُر بردن، لیز بردن)؛ gɛ lanən (با حرکت دورانی چیزی را جابجا کردن)؛ læqanən (تکان دادن کسی یا چیزی)؛ xɛ nɔʒgæ keɪ dən (جست و خیز کردن، بالا و پایین پریدن با حرکت آرام برای جلب توجه کسی)؛ sæɪ æ tatki (یواشکی سرک کشیدن برای چیزی)؛ f ælæ f æl (لنگان لنگان راه رفتن)؛ datf ælkjajn (تکان و لرزیدن ناگهانی از ترس)؛ xer dajn (چرخاندن و حرکت دورانی به چیزی معمولاً گرد)؛ xer xwɑɪ dən (چرخیدن، حرکت کردن و راه رفتن در مسیری دایره‌وار)؛ nif tkani (با حالت نشسته حرکت کردن)؛ qol qolan (لی لی کردن، روی یک پا حرکت کردن و بازی کردن)؛ læq lɛ wa (ثابت نبودن و

در جای خود حرکت کردن)؛ *mæɫæq dajɲ* (پشتک زدن)؛ *laɯ æ laɯ* (خمیده و یک طرفه راه رفتن)؛ *pæɫ anɛn* (پرواز دادن، چیزی یا پرنده‌ای را به پرواز در آوردن)؛ *daɫɟ æmjajɲ* (خم شدن از حالت راست و مستقیم به جلو و سمت پایین)؛ *pɛ l pɛ lan* (غلت خوردن/زدن، از پهلویی به پهلوی دیگر شدن)؛ *quxæ qux* (به حالت خمیده نشستن یا راه رفتن، قوز دادن)؛ *xæm-o-ras bijən* (تعظیم کردن)؛ *ɟʒi: mænən* (جا ماندن، عقب افتادن) مانند مثال زیر:

menal-ægæ *mænæ ɟʒi: (M + Ma)*

بچه-DEFINITE جا PAST-ماندن

آن بچه جا ماند (عقب افتاد).

در مثال ۱۸، *menal* (بچه) به عنوان پیکر، خودعاملی است و حرکت نیز از نوع بومرنگی است. همچنین عناصر معنایی حرکت و شیوه در ریشه فعل با هم ادغام شده‌اند.

zeru laɯ zæ mal-ægan *laɯ z-an-æw. (M + CE)*

زمین لرزه سبب لرزیدن PAST-CAUSE-۳PS لرزه PI-خانه لرزه زمین

زمین لرزه سبب لرزیدن خانه‌ها شد.

در مثال بالا، حرکت بومرنگی و از نوع خودعاملی است، چرا که پیکر (*zeru laɯ zæ*) خود سبب حرکت و زمین لرزه شده است.

menal-ægæ *wæ ? aw pæɫ -an-æw. (M + Ma/C)*

بچه-DEFINITE از آب PAST-CAUSE-۳PS-پریدن آب

بچه را از آب پراند. (او باعث شد که بچه از آب بپرد).

الگوی واژگان‌شدگی دو جزئی (M + P)

در این الگو، ریشه فعل همزمان دو عنصر حرکت و مسیر را با هم ادغام کرده است. در این الگو از شیوه یا سبب حرکت (هم‌رویداد) استفاده نمی‌شود و چنانچه فعلی بخواهد هم‌رویداد را علاوه بر دو عنصر حرکتی (حرکت + مسیر) در ریشه فعل در این نوع از افعال حرکتی نشان دهد، باید به صورت قیدی بیاید. نمونه‌های زیر همگی مؤید این الگو هستند.

dir wæxt ræs-im-ɛn'. (M+P)

دیر وقت رسیدن -FUTURE/PAST-۱PP

دیر وقت می‌رسیم (رسیدیم).

در مثال بالا، فعل *ræsime n* همزمان حرکت و مسیر (رسیدن به مقصد) را بازنمایی می‌کند.

mar-ægæ ʃ ijæ naw lanæ-gæj. (M+P)

مار-DEFINITE رفت ۳PS-PAST داخل لانه ۳PS

آن مار به داخل لانه‌اش رفت.

در مثال ۲۲، پیکر: *mar*؛ زمینه: *lanæ* و مسیر با حرف اضافه *naw* رمزگذاری شده است که در اینجا تابع نامیده می‌شود.

dæs-i wæ girfan dær-awej d. (M + P)

دستش را از جیب درآورد. ۳PS- PAST -آوردن- بیرون جیب از ۳PS-دست

در مثال ۲۳، فعل *dærawerd* (به معنای درآوردن) همزمان حرکت و مسیر (از داخل جیب به بیرون) را واژگانی و در هم ادغام کرده است.

همچنین، علاوه بر سه فعل حرکتی فوق، سایر افعال حرکتی که در الگوی *M + P* جای دارند به قرار زیرند:

hatən (آمدن)؛ *ʃ ijən* (رفتن، ترک کردن)؛ *bej dən* (بردن)؛ *hawerdən*

(آوردن)؛ *gærdin* (پرسه زدن، دنبال چیزی گشتن و یافتن)؛ *kel kej dən* (ارسال

کردن، فرستادن)؛ *da xesən* (پهن کردن چیزی روی زمین)؛ *hæl xesən* (پهن کردن چیزی

در بالا، برای مثال روی طناب هر چیز دیگری، چیزی را آویزان کردن)؛ *hat -u- ʃ u:*

kej dən (رفت و آمد کردن)؛ *dʒi: wæ dʒi: kej dən* (جابجا کردن)؛ *dæjʃ t*

hatən (بیرون آمدن)؛ *wædæjʃ t kɪʃ anən* (به بیرون کشیدن)؛ *xwar*

hawej dən (پایین آوردن، فرود آوردن)؛ *ʃ u: nekasi čijən* (دنبال کسی رفتن/

تعقیب کردن کسی)؛ *ræsanən* (رساندن، کسی یا چیزی را به جایی یا محل خاصی

۱. فعل *ræsime n* در گویش کردی کلهری در هر دو زمان گذشته و آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

səwaj keɪ dən؛ (سر زدن به کسی یا جایی بدون اطلاع قبلی)؛ səɪ dɑjɲ (بردن)؛
 wæɪ æw (سوار وسیله‌ی نقلیه شدن)؛ səwaj biʒən؛ (سوار وسیله‌ی نقلیه شدن)؛
 faselæ (به عقب رفتن و خلاف جهت مقابل حرکت کردن)؛
 fæɪ aɪ í (فاصله گرفتن بین خود و شخص دیگری یا چیزی، دور شدن)؛
 dɑjɲ (فراری دادن کسی، دور کردن و گریزانیدن کسی از موقعیتی یا خطری)؛
 dʒíja (جدا شدن از کسی یا چیزی)؛ hæl gæɪ dɑnən؛ (باز گرداندن چیزی به کسی
 که از او به امانت گرفته شده است)؛ hælæw gæɪ dɑnən (برعکس کردن مسیر
 چیزی)؛ hæl gæɪ dɪʒan؛ (برگشتن به جای قبلی)؛ bar keɪ dən؛ (نقل مکان
 کردن) [æwaj keɪ dən (گم کردن راه و مسیر در اثر خستگی و ضعف جسمانی و
 به بیراهه رفتن مسیر)؛ dɑwæɪ ín؛ (جدا شدن مسیر دو نفر از هم)؛ híʒ tən؛ (چیزی
 را در جای خاصی گذاشتن، قرار دادن، نهادن چیزی در جایی)، همچنین najən نیز در همین
 معنا به کار می‌رود.

الگوی واژگان‌شدگی سه‌جزیی (M + P + CE)

در کردی کلهری افعالی یافت می‌شوند که همزمان از سه عنصر معنایی حرکت، مسیر و هم‌رویداد برخوردارند، و به عبارتی فعل، این سه عنصر معنایی را با هم بازنمایی کرده و در هم ادغام می‌کند که در این صورت به باور اسلوبین (۱۹۹۴) این دسته از زبان‌ها را زبان‌های دوقطبی می‌گویند. مانند فعل «پريدن» در زبان فارسی.

tʃ u: pæɪ dæ-gæ wæ naw diwar das-æ dæɪʃ t. (M + P + CE)

بیرون PRE PERF-زدن دیوار توی از DEFINITE-پرده چوب

آن چوب پرده از توی دیوار به بیرون زده است.

در مثال بالا، tʃ u: pæɪ dæ-gæ: پیکر و diwar: زمینه است و از آنجایی که پیکر به خودی خود قادر به حرکت نیست، بنابراین حرکت فعل از نوع حرکت غیرعاملی است. فعل dasæ dæɪʃ t (بیرون زدن) همزمان حرکت، مسیر (مسیر عمودی یا افقی) و شیوه را بازنمایی کرده است. در این مثال، مسیر و شیوه با تابع dæɪʃ t (بیرون) مشخص شده است. اما در مورد مثال زیر علاوه بر این که فعل، حرکت و مسیر را همزمان بازنمایی می‌کند، سبب

را نیز واژگانی کرده است. همچنین در این مثال‌ها، حرکت از نوع انتقالی است، چرا که جابجایی از جایی به جای دیگر صورت گرفته است.

dær *ʃ ijən* (فرارکردن، گریختن [از جایی/شرایطی])، در خصوص فعل حرکتی *dær* *ʃ ijən* باید گفت که این فعل در بافت خاصی مانند نمونه زیر می‌تواند به معنای «از دست دادن اصالت» به کار رود که در این صورت تنها دو مؤلفه حرکت و شیوه را با هم ادغام می‌کند:

ʔæwæ wæ dʒi: xwæj dær ʃ ij-æ. (M + CE)

PRE PERF-رفتن در خود جا (اصالت) از او

او اصالت خود را از دست داده است.

kontu:ræ-gæ das-æ dæjʃ t (M + P + CE)

DEFINITE-کتور بیرون زدن-PRE PERF

کتور برق بیرون زده است.

در مثال فوق، حرکت از نوع حرکت عاملی است. به عبارتی، کسی سبب جابجایی و حرکت پیکر (*kontu:r*) شده است.

menal-ægæ da-nif ti-jæsæ ban sændæli. (M + P + Ma)

DEFINITE-بچه صندلی روی ۳PS-PRE PERF-نشستن-پیشوند به معنای پایین

آن بچه روی صندلی نشسته است.

همچنین، در نمونه ۲۷، پیکر: *menalægæ*؛ زمینه: *sændæli*؛ مسیر: با تابع *ban* مشخص شده است. حرکت و مسیر هر دو همزمان در ریشه فعل *da nif tijæ* رمزگذاری شده است که در آن *da* (به معنای پایین) پیشوندی است که در تقابل با پیشوند *hæl* (به معنای بالا) به کار می‌رود. نوع حرکت نیز از نوع بومرنگی است. زیرا جایگاه پیکر ثابت و ساکن است. دیگر افعال حرکتی، علاوه بر سه فعل حرکتی بالا، که این سه مؤلفه را همزمان با هم ترکیب می‌کنند عبارتند از:

۱. لازم به ذکر است که این پیشوند در مورد فعل حرکتی *hælrefanən* در کردی کلهری با معنای ضرورتاً بالا یا بلند نیست، بلکه در این مورد همان معنای فعل اصلی *refanən* (به معنای ریختن و پهن کردن چیزی روی زمین) به قوت خود پایدار است.

hiz (خیم شدن، دولاشدن)؛ $da\ \text{tʃ}\ \text{æmin}$ ؛ $hæl\ hæl\ ki:ʃ\ \text{anən}$ (بالا کشیدن شلوار)؛ $geɪ\ dən$ (بلندشدن از خواب یا از حالت نشسته)؛ $xesən$ (انداختن)؛ $nowa\ kæftən$ (جلو افتادن)؛ $fəɪæ\ dajɪn$ (پرتاب کردن، پرت کردن)؛ $gəlæw\ xwaj\ dən$ (دور زدن، برگشتن)؛ $hæl\ kæftən$ (در برخورد با مانعی در مسیر حرکت تعادل خود را از دست دادن و به زمین خوردن)، اما این فعل حرکتی بدون پیشوند $hæl$ فاقد عنصر معنایی مسیر است؛ $da\ nowajɪn$ (سبقت گرفتن، از کسی یا چیزی جلو زدن)؛ $fæɪ\ ar\ keɪ\ dən$ (گریختن از جایی به جای دیگر بخاطر احساس ترس و خطر)؛ $qæpanɛ\ n$ (ربودن چیزی به سرعت و با شتاب)؛ $tæpanɛn$ (چیزی را با زور فشار در جایی فروکردن)؛ $refanən$ (ربودن چیزی به سرعت و فرار کردن)؛ $ruwakanən$ (ربودن چیزی به سرعت و فرارکردن)؛ $rɛmanən$ (کسی را به زمین زدن).

الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی (M + CE + G)

در کردی کلهری چهار نوع فعل حرکتی یافت شد که در این الگو جای می‌گیرند، این افعال حرکتی عبارتند از:

$pæɪ\ in$ (پرواز کردن)؛ $mæɪlæ\ keɪ\ dən$ (شنا کردن)؛ $bal\ geɪ\ dən$ (پريدن)؛ $hæjtawæ\ keɪ\ dən$ (تاب تاب کردن)؛

در همه این مثال‌ها، علاوه بر این که مؤلفه‌های معنایی حرکت و شیوه با هم ادغام شده‌اند، عنصر معنایی زمینه نیز در ریشه فعل بازنمایی شده است که در ارتباط با فعل حرکتی $mæɪlæ\ keɪ\ dən$ (به معنای شنا کردن) «آب»، و در مورد سه نمونه دیگر «هوا» می‌باشد.

الگوی واژگان‌شدگی سه جزیی (M + P + F)

در این الگو عناصر سه‌گانه حرکت، مسیر و پیکر با هم ترکیب و در هم ادغام می‌شوند. همان‌گونه که تالمی (۲۰۰۰ب) هم اذعان کرده بود، نمونه‌های این الگوی ادغام در تقریباً همه زبان‌های دنیا محدود هستند که گویش کلهری زبان کردی هم از این قاعده مستثنی نیست. در این گویش کردی به طور محدود چهار فعل حرکتی هست که این سه مؤلفه را با هم ادغام می‌کنند. این افعال حرکتی عبارتند از:

hiz dajən (بلند کردن چیزی از زمین). شایان ذکر است که در این مثال، پیکر (چیزی) به صورت ضمیر سوم شخص مفرد آمده است و در فعل حرکتی بازنمایی پیدا کرده است. مانند مثال زیر:

hiz-i də. (M+P+F)
 ۳PS- بلند کردن

بلند کردن (چیزی) از روی زمین.

در این مثال، پیشوند hiz (به معنی بلند)، همچون پیشوند hæɪ، مسیر حرکت را واژگانی می‌کند. بنابراین مؤلفه‌های حرکت و مسیر همزمان با هم ترکیب شده‌اند. همچنین نکته‌ی اصلی این مثال، حضور پنهان پیکر (چیزی/شیئی) از روی زمین است.

همچنین، فعل حرکتی wai in (به معنای باران/برف/تگرگ باریدن) که پیکر (باران) در ریشه فعل ادغام شده و سبب واژگانی شدن آن می‌شود (قبلاً در مثال ۱۵ هم به این فعل حرکتی پرداخته شد).

kif ajən (به معنای جابجا کردن اسباب و اثاثیه خانه از جایی به جای دیگر) که پیکر (وسایل و اثاثیه منزل) در ریشه فعل ادغام شده است. مانند نمونه زیر:

čæn ru:ʒi: hæɪ, kif am-æ. (M+P+F)
 ۱PS-PRE PERF- کشیدن است INDEFINITE MARKER-روز چند

چند روزیست که خانه‌کشی (اسباب‌کشی) کرده‌ام.

tef keɪ dən (بیرون ریختن آب دهان یا چیزی که قابل خوردن نباشد) که پیکر (آب دهان یا هر چیزی که در دهان قابل خوردن نباشد) در ریشه فعل با عنصر حرکت ترکیب شده است و مسیر نیز بیرون آمدن از دهان است.

الگوی واژگان‌شدگی سه جزئی (M + CE + F)

در افعالی این الگو یافت می‌شود که دو مؤلفه معنایی پیکر و هم‌رویداد (شامل شیوه و سبب حرکت) را با هم ترکیب می‌کنند. شایان ذکر است که در برخی افعال حرکتی، موجودیت (عضوی از بدن) در حال حرکت این کار را به طرق مختلف به انجام می‌رساند و با این حرکت، عضو بدن (پیکر) به گونه‌ای خاص درگیر حرکت است. مانند نمونه‌های زیر:

læqæ xesən (لگد انداختن)؛ dæs-o-pa kotajn (دست و پا زدن در هنگام به خطر افتادن یا غرق شدن در آب)؛ dæs kotajn (دست زدن به نشانه‌ی تشویق کسی)؛ dakif ajn (دراز کردن عضوی از بدن که در اینجا [پیکر] نامیده می‌شود؛ یعنی پا، dəi i:ʒ keɪ dən)؛ qolæfæi (با پا به کسی یا چیزی ضربه زدن)؛ sewaj i dajn (سواری دادن کسی با نشاندن او بر روی شانه و گرداندنش)، همان‌گونه که در مثال زیر نیز آمده است:

geɪ d-əm-æj kul ta sewaj i-ʔi bij-æ-m. (M+CE+F)

۱PS-۳PS-گرفتن تا پشت ۳PS-سواری ۱PS-دادن

کولش گرفتم تا سواریش بدهم.

همچنین، در فعل حرکتی *æləqanən*] (تکان دادن مایع درون ظرف)، اگرچه پیکر عضوی از بدن نیست، اما علاوه بر دو عنصر معنایی حرکت و هم‌رویداد شیوه، پیکر همان مظروف (مایع) درون ظرف است که باید تکان داده شود.

در فعل حرکتی *i:wanən*] (بهم زدن غذای در حال پخت) نیز سه عنصر حرکت، هم‌رویداد شیوه و پیکر (غذای درون ظرف) با هم ادغام شده و فعل *i:wanən*] را بازنمایی می‌کنند.

الگوی واژگان شدگی چهار جزئی (M + P + CE + F)

در این الگو، چهار عنصر معنایی همزمان در ریشه فعل با هم ادغام شده‌اند که همه این مؤلفه‌های معنایی در ریشه فعل بازنمایی می‌شوند. در کردی کلهری سه فعل وجود دارد که این مؤلفه‌های معنایی را با هم ترکیب می‌کنند.

فعل *hælaweɪ dən* (بالا آوردن غذا و هر آنچه که درون معده است، استفراغ کردن) در این گویش از این ویژگی برخوردار است. در اینجا، پیکر همان غذا و مواد درون معده است که در ریشه فعل بازنمایی شده است. همچنین مسیر با پیشوند *hæl* مشخص شده است. همچنین فعل حرکتی *tʃ ekanən* (چکاندن و ریختن مایعات در چیزی یا جایی به صورت قطره قطره) که مسیر را با گروه حرف اضافه‌ای «به درون چیزی یا جایی از بالا به پایین» مشخص می‌کند، شیوه حرکت به صورت قطره قطره بوده و پیکر نیز به صورت مایعات بازنمایی می‌شود.

همچنین مثال ۳۱، فعل حرکتی *pɛf keɪ dən* (فوت کردن و بیرون فرستادن هوا از دهان) نیز از این الگو برخوردار است. در این حالت، هوا (پیکر) از دهان به بیرون فرستاده می‌شود که همزمان مسیر را نیز بازنمایی کرده تا در ساز موسیقی (همچون نی) دمیده شود و یا شمعی را خاموش کرد که در این صورت کسی باعث خاموش شدن شمع می‌شود (هم‌رویداد سبب) در این مورد نیز در ریشه فعل ادغام شده است که سبب به صدا درآوردن ساز موسیقی و یا سبب خاموش شدن شمع می‌شود.

mɛn pɛf keɪ d-em -æ ɪ æm-æɣæ

من به آن شمع فوت کردم. Definite- شمع به PAST-۱PS-کردن فوت من

من به آن شمع فوت کردم.

الگوی واژگان شدگی پنج جزئی (M + CE + P + G + F)

این الگوی واژگان‌شدگی حاکی از آن است که در ریشه فعل همزمان پنج عنصر معنایی حرکت + هم‌رویداد + مسیر + زمینه + پیکر با هم ترکیب می‌شوند. در کردی کلهری یک فعل ساده و یک فعل غیرساده حرکتی یافت شد که از این الگو برخوردار است.

۱. فعل ساده *i:wanən*] (بهم زدن یا مخلوط کردن چیزی در درون مایعات).

این فعل ساده در کردی کلهری همزمان مؤلفه‌های معنایی حرکت، شیوه حرکت (که به صورت بهم‌زدن و مخلوط کردن است)، مسیر (که به صورت دورانی در جهت عقربه‌های ساعت و یا خلاف آن اتفاق می‌افتد)، زمینه (مایعی که محلولی را درون خود حل یا محو می‌کند)، و پیکر (محلولی است که در درون مایع حل می‌شود) را در ریشه فعل بازنمایی می‌کند.

۲. فعل غیرساده *(wæ mal) dær keɪ dən* (شخصی را از جایی بیرون‌انداختن)، در ریشه

فعل *wæ mal) dær keɪ dən* [کسی] را از خانه بیرون‌کردن) همزمان مؤلفه‌های معنایی (الف) حرکت، (ب) شیوه حرکت دادن کسی (پیکر)، (همچنین ج) مسیر حرکت که انتقال کسی از جایی به جای دیگر است، به عبارتی از داخل خانه به بیرون از آن، و (د) *mal* (خانه) که زمینه است، به همراه مؤلفه معنایی پیکر (کسی) با هم ادغام می‌شوند.

۳. نگارنده در جدول شماره ۱، توزیع فراوانی الگوهای ادغام در افعال حرکتی کردی کلهری را به تفکیک نشان داده است تا مشخص کند که کدام الگو از فراوانی بالا و کدام یک از فراوانی پایینی برخوردار است. شایان ذکر است که ترکیب‌ها در ردیف‌های پنج‌گانه زیر که

شامل نه الگوی ادغام است، اطلاعات معنایی فعل‌های حرکتی در کردی کلهری را نشان می‌دهند.

نوع الگو	الگوهای ادغام	فراوانی تعداد افعال حرکتی	درصد فراوانی
۱ جزیی	حرکت	۲	٪۲
۲ جزیی	حرکت+مسیر	۳۳	٪۳۳
	حرکت+هم‌رویداد	۵۵	٪۵۵
۳ جزیی	حرکت+مسیر+هم‌رویداد	۱۸	٪۱۸
	حرکت+هم‌رویداد+زمینه	۴	٪۴
	حرکت+مسیر+پیکر	۴	٪۴
	حرکت+هم‌رویداد+پیکر	۹	٪۹
۴ جزیی	حرکت+مسیر+هم‌رویداد+پیکر	۳	٪۳
۵ جزیی	حرکت+هم‌رویداد+مسیر+زمینه+پیکر	۲	٪۲
	جمع کل الگوها	۱۳۰	٪۱۳۰

توزیع فراوانی ادغام عناصر رویداد حرکت در ریشه افعال حرکتی در کردی کلهری

نتیجه‌گیری

با بررسی این نوشتار مشخص شد که گویش کردی کلهری به لحاظ رده‌شناختی در رده زبان‌های دوقطبی قرار دارد. نگارنده بر این باور است که داده‌های مورد تحلیل در گویش کردی کلهری نشان می‌دهند که نظریه اصلاحی برمن و اسلوبین (۱۹۹۴) و اسلوبین (۲۰۰۴) مبنی بر قائل بودن به پیوستار برجستگی شیوه^۱ و نظریه ایبارتس- آنتونانو^۲ (۲۰۰۴) پیوستار برجستگی مسیر^۳ در خصوص جایگاه رده‌ای این گویش قابل تأمل است، و انگاره تالمی (۲۰۰۰ب) مبنی بر قائل شدن به رده دوگانه فعل‌بنیان و تابع‌بنیان در مورد این گویش مورد تردید است. به عبارتی، مشخص شد که در این گویش، افعال حرکتی الگوهای معنایی

۱. manner-salience

۲. I. Ibarrtxe- Antuñano

۳. path-salience

یک‌جزیی را تا ۵ جزیی بازنمایی می‌کنند. چرا که یک فعل حرکتی در زبان می‌تواند یک عنصر معنایی یا همزمان چندین عنصر معنایی را کدگذاری کند. پژوهش پیش‌رو نشان داد که در این گویش، نه الگوی ادغام وجود دارد که به ترتیب عبارتند از: الگوی واژگان‌شدگی تک‌جزیی حرکت، الگوی واژگان‌شدگی دو‌جزیی حرکت + مسیر، الگوی واژگان‌شدگی دو‌جزیی حرکت + هم‌رویداد، الگوی واژگان‌شدگی سه‌جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد، الگوی واژگان‌شدگی سه‌جزیی حرکت + هم‌رویداد + زمین‌الگوی واژگان‌شدگی سه‌جزیی حرکت + مسیر + پیکر، الگوی واژگان‌شدگی سه‌جزیی حرکت + هم‌رویداد + پیکر، الگوی چهار‌جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد + پیکر، و الگوی پنج‌جزیی حرکت + هم‌رویداد + مسیر + زمین + پیکر. سپس با تحلیل ۱۳۰ فعل حرکتی در این گویش؛ شامل فعل‌های ساده، فعل‌های مرکب، و فعل‌های گروهی، از بین الگوهای نه‌گانه، الگوی غالب نیز به دست آمد که نسبت به دیگر الگوها از بیشترین امکان وقوع و فراوانی برخوردار است. از این رو، بر طبق جدول شماره ۱، الگوی حرکت ۲٪، الگوی حرکت + مسیر ۳۳٪، الگوی حرکت + هم‌رویداد ۵۵٪، الگوی حرکت + مسیر + هم‌رویداد ۱۸٪، الگوی حرکت + هم‌رویداد + زمین ۴٪، الگوی حرکت + مسیر + پیکر ۴٪، الگوی حرکت + هم‌رویداد + پیکر ۹٪، الگوی حرکت + مسیر + هم‌رویداد + پیکر ۳٪ و الگوی حرکت + هم‌رویداد + مسیر + زمین + پیکر ۲٪ به دست آمده که بر این اساس، الگوهای تک‌جزیی، چهار‌جزیی و پنج‌جزیی از کمترین بسامد برخوردار هستند و الگوهای حرکت + هم‌رویداد و حرکت + مسیر نیز به ترتیب از بیشترین مقدار فراوانی برخوردارند. همچنین، از هفت الگوی باقیمانده، الگوی سه‌جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد نیز با ۱۸٪ بیشترین میزان بسامد را داراست. نتایج بررسی رویداد حرکت در گویش کردی کلهری، انگاره رده‌شناسی دوگانه تالمی را به چالش کشید و نشان داد که این انگاره اگر چه در خصوص برخی زبان‌ها همچون آلمانی، اسپانیایی، انگلیسی و ترکی کارآمد است، اما در مورد گویش کردی کلهری از کارآمدی لازم برخوردار نیست. بنابراین نمی‌توان در خصوص رده‌شناسی زبان‌ها تنها به دو شق قائل بود، بلکه به منظور کارآمدی بیشتر باید به دیدگاه اسلوبین (۲۰۰۴) و ایبارتس و همکاران (۲۰۰۴) توجه کرد. چرا که اسلوبین (۲۰۰۴) معتقد است زبان‌ها را باید بر اساس پیوستار برجستگی شیوه، مورد بررسی قرار داد، و همچنین ایبارتس و همکاران (۲۰۰۴) نیز بر این باورند که زبان‌ها را باید بر اساس پیوستار برجستگی مسیر ارزیابی کرد، و از آنجایی

که در این گویش، الگوهای دو جزیی حرکت + هم‌رویداد و حرکت + مسیر هر دو از بسامد بالایی برخوردارند و همچنین الگوی سه جزیی حرکت + مسیر + هم‌رویداد، به لحاظ فراوانی در جایگاه پس از دو الگوی دو جزیی حرکت + هم‌رویداد و الگوی حرکت + مسیر قرار می‌گیرد، بنابراین می‌توان گویش کردی کلهری را به لحاظ رده‌شناسی در دسته‌ی زبان‌های دو قطبی جای داد و به جای تقسیم‌بندی دو گانه‌ی زبان‌ها به دو دسته‌ی فعل‌بنیان و تابع‌بنیان به پیوستاری قائل شد که در دو سوی آن، این دو گروه قرار دارند، اگر چه یافته‌ها نشان می‌دهد که سوئه این گویش بیشتر به سمت زبان‌های شیوه‌نماست. با این حال، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جستار حاضر، می‌توان گفت که بررسی افعال حرکتی در کردی همراستا با نتایجی است که حامدی و شریفی (۱۳۹۳) پیرامون رویداد حرکت فعل در زبان فارسی به‌دست داده‌اند.

کتاب‌نامه

- ۱- ازکیا، ن. (۱۳۹۰). حرکت در زبان فارسی: دیدگاهی شناختی و رده‌شناسی. رساله‌ی دکتری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- ۲- شاه‌حسینی، ف.، و روشن، ب.، و صبوری، ن. ب.، و نجفیان، آ. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی افعال مسیرنمای زبان‌های فارسی میانه و نو. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۳(۴۲)، ۱۶۷-۱۹۳.
- ۳- حامدی شیروان، ز.، شریفی، ش. (۱۳۹۳). بررسی رده‌شناختی مقوله‌ی قمر در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی. دوماهنامه جستارهای زبانی، ۵(۲)، ۷۱-۸۹.
- ۴- مسگرخویی، م. (۱۳۹۲). بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی. رساله دکتری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
- ۵- Berman, R., & Slobin, D. I. (۱۹۹۴). *Relating Events in Narrative: A Crosslinguistic developmental Study*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- ۶- Evans, V., & Green, M. (۲۰۰۶). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- ۷- Cifuentes Fe'rez, P. (۲۰۰۸). Motion in English and Spanish: A Perspective from Cognitive Linguistics, Typology and Psycholinguistics. *PhD Thesis*, Spain: Universidad de Murcia.
- ۸- Ibarretxe-Antuñano, I. (۲۰۰۴a). "Motion Events in Basque Narratives". In S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.), *Relating Events in Narrative: Typological*

- and Contextual Perspectives in Translation*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, pp. ۸۹-۱۱۲.
- ۹- Karimipour, A., & V. Rezai. (۲۰۱۶). Typological Analysis of Ilami Kurdish Verbs of Motion: With Focus on the Concept of Path. *DE GRUYTER MOUTON*, ۶۹(۳), ۴۱۱-۴۳۵.
- ۱۰- Lakoff, G. (۱۹۸۷). *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: Chicago University Press.
- ۱۱- Lindsey, T. S. (۲۰۱۱). *Bulgarian Verbs of Motion: Slavic Verbs in a Balkan Context*. ProQuest LLC. ۷۸۹ East Eisenhower Parkway, PO Box ۱۳۴۶, Ann Arbor, MI ۴۸۱۰۶.
- ۱۲- Saidi, D. (۲۰۰۷). Typology of motion event in Tunisian Arabic. *Proceedings of Lingo*, ۱۹۶-۲۰۳.
- ۱۳- Slobin, D. I. (۲۰۰۰). "Verbalized events: A dynamic approach to linguistic relativity and determinism". In S. Niemeyer & R. Dirven (Eds.) *Evidence for linguistic relativity*. Berlin: Mouton de Gruyter, pp. ۱۰۷-۱۳۸.
- ۱۴- Slobin, D. I. (۲۰۰۴). The Many Ways to Search for a Frog: Linguistic Typology and the Expression of Motion Events. In: S. Strömquist & L. Verhoeven (Eds.). *Relating Events in Narrative: Typological and Contextual Perspectives in Translation*, (pp. ۲۱۹-۲۵۷). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- ۱۵- Talmy, L. (۱۹۸۵). "Lexicalization patterns: Semantic structure in lexical forms". In T. Shopen (Ed.), *Language typology and lexical descriptions: Vol. ۳*.
- ۱۶- *Grammatical categories and the lexicon*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. ۳۶-۱۴۹.
- ۱۷- Talmy, L. (۲۰۰۰b). *Towards a Cognitive Semantics*. Vol. II. Cambridge, MA: MIT Press.